



## آمار تامل برانگیز پرونده‌های درگیری منجر به جرح در دادگستری‌ها

پنج ماه نخست امسال بیش از ۲۶۶ هزار پرونده درگیری منجر به جرح در دادگستری‌های سراسر کشور تشکیل شده است.

پنج ماه نخست امسال بیش از ۲۶۶ هزار پرونده درگیری منجر به جرح در دادگستری‌های سراسر کشور تشکیل شده است. این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته دارای رشد چند درصدی است و البته آماری قابل تامل! در این بین تهران، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان و شرقی و مازندران بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از قانون، این در حالی است که مجموع نزاع‌هایی که برای و زانیان پرونده تشکیل شده ۵۴۴ هزار و ۴۷۰ فقره بوده و این آمار هر سال تکرار می‌شود و به گفته کارشناسان عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از دلایل بروز چنین رخدادی است. بررسی پرونده‌های نزاع نشان می‌دهد درگیری‌های خانوادگی، ناموسی و طایفه‌ای بیشترین عوامل چنین درگیری‌هایی است. برخی از اتفاقات هم منجر به نقص عضو و حتی قتل و جنایت شده است. در این گزارش سعی کرده‌ایم به چندین پرونده و دلایل آن اشاره کنیم.

### فحش داد او را زدم

محسن جوان ۱۸ ساله‌ای است که به جرم قتل بازداشت است و البته در انتظار حکم. او دو سال است در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برد و چند هفته پیش به زندان بزرگسالان منتقل شده است. محسن جوان لاغر اندام و میانه‌روی است که به گفته خودش تنها دغدغه‌اش مادر و خواهر ۱۰ ساله‌اش است. او فرزند طلاق است و ناامید از رضایت خانواده مقتول. او درباره درگیری منجر به قتلش در خیابان سلسبیل تهران چنین می‌گوید: «دو سال پیش از این درگیری، پدرم از مادرم جدا شد و رفت. در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کردیم. صاحبخانه ما را به خاطر عقب افتادن اجاره، جواب کرده بود. مادرم برای اینکه صاحبخانه وسایل ما را بیرون نریزد رفت کلفتی. خانه مردم کار می‌کرد.»

چند ماه بعد غیرتم قبول نکرد و ترک تحصیل کردم. رفتم و در یک مغازه تعویض روغنی کار کردم. زندگی‌مان با بدبختی می‌گذشت. یک شب که از سرکار به خانه آمدم شام نداشتیم، رفتم سر کوچه که فلافل بخورم. ساندویچی شروع کرد به شوخی و مدام از مادرم می‌گفت. گفتم شوخی نکن و او ول کن ماجرا نبود و به مادرم نسبت‌های بد می‌داد. عصبانی شدم و شیشه نوشابه‌ای شکستم و تهدیدش کردم. فکر کردم جا می‌خورد و عذرخواهی می‌کند ولی او عصبانی شد و به سمتم حمله کرد. او مرا به زمین انداخت و کتکم زد. از ترس شیشه را به گردنش زدم. یک لحظه دیدم کل بدنش خونی است. آن‌هایی که شاهد ماجرا بودند مرا گرفتند و به پلیس زنگ زدند. چند ساعت بعد که توی کلانتری بودم، گفتند مرد ساندویچی به خاطر شدت جراحت از دنیا رفته. حالا از آن روز درگیرم و تلاش خانواده‌ام برای راضی کردن خانواده مقتول به جایی نرسیده و آن‌ها می‌خواهند مرا قصاص کنند. از محسن می‌پرسم اگر به دو سال پیش برگردد دوباره دعوا می‌کند؟ در حالی که چشمانش پر از اشک شده، جواب می‌دهد: «نه. زمان دیگر به عقب برنمی‌گردد ولی اگر برگردد هیچ‌وقت درگیر نمی‌شدم چرا که نه تنها زندگی خودم بلکه زندگی مادرم و خانواده مقتول را تباه کرده‌ام. من ناخواسته دست به این کار زدم و ای کاش می‌توانستم خودم را کنترل کنم.»

### سر پارک ماشین درگیر شدیم

سه سال پیش درگیری در خیابان شهسوار جنوبی به خاطر جای پارک ماشین بین دو همسایه به غائله بزرگی تبدیل شد که دو طایفه با چوب و چماق و حتی اسلحه به یکدیگر حمله کردند. این اتفاق ساعت ۱۰ شب رخ داد و ساعت سه نیمه شب با دخالت صدها مامور پلیس و بازداشت بیش از ۵۰ نفر به پایان رسید. مصطفی مرد ۴۰ ساله‌ای است که باعث و بانی این درگیری است. وی پس از تحمل یک سال زندان حالا سرش به سنگ خورده و از ماجرای آن شب برایم می‌گوید: «از سرکار تازه به خانه رسیده بودم که دیدم جای پارک من ماشین غریبه‌ای پارک است. زنگ یکی از همسایه‌ها را زدم و از او خواستم که ماشین را بردارد. او گفت که

ماشین برای مهمان‌شان است و با لحن بدی گفت که مگر جای پارک برای پدرم است! با زبان خوش گفتم بیاید و ماشین را جابه‌جا کند تا ماشینم را پارک کنم ولی او با قلدری گفت نمی‌آید. حرف‌های من مانده و او و مهمانانش بیرون آمدند و مرا زیر مشت و لگد گرفتند. من هم به فک و فامیلم زنگ زدم و یک نیشان آدم از اسلامشهر آمدند و درگیر شدیم. آن‌ها کتک خوردند و ساعت ۱۲ شب ۱۵-۱۰ نفر از آن‌ها برای دعوا آمدند و دعوا بیخ پیدا کرد. کلی مامور پلیس آمد و گاز اشک‌آور زدند و همه را دستگیر کردند.

توی دادگاه به‌خاطر این درگیری که چندین نفر هم به شدت زخمی شده بودند من و چند نفر دیگر به زندان محکوم شدیم. این سوال را از او هم می‌پرسم که آیا به گذشته برگردد دوباره درگیر می‌شد یا نه؟ ابرو بالا و پایین می‌اندازد و می‌گوید: «الا من دنبال دعوا نیودم ولی ای کاش ماشینم را جای دیگری پارک می‌کردم و این همه دردسر نمی‌کشیدم، خانواده‌ام در نبود من خیلی اذیت شدند. اگر کمی به اعصاب مسلط بودم مطمئناً این اتفاق نمی‌افتاد و این همه آدم به جان هم نمی‌افتادند. ما یاد نگرفته‌ایم که گذشت کنیم و به اعصاب خودمان مسلط شویم».

چشم تو چشم شدیم و چشمم از کار افتاد

آرش سال گذشته بینایی یکی از چشم‌هایش را از دست داد. او در یک درگیری بچگانه در یکی از مناطق جنوبی تهران به شدت مجروح شد. این جوان ۲۳ ساله هم از درگیری‌اش می‌گوید: «سر کوچه همراه با یکی از دوستانم ایستاده بودم که چند جوان دیگری از مقابل‌مان رد شدند. یکی از آن‌ها با من چشم تو چشم شد. چند متری همین‌طور همدیگر را برانداز کردیم که آن جوان به سمتم آمد و با من گلاویز شد. بچه‌ها جدا شدند ولی یک‌ساعت دیگر او با چند جوان دیگر برگشتند و با چوب و چماق مرا به بدترین وضع کتک زدند جوری که از حال رفتم و چند روزی در بیمارستان بستری بودم. دکترها بعد از معاینه‌های تخصصی گفتند که چشم راستم به دلیل شدت ضربات به سرم بینایی‌اش را از دست داده، باورم نمی‌شد که چشمم دیگر نمی‌بیند. حالا از آن روز مدام این اتفاق را با خودم مرور می‌کنم که اگر کوتاه می‌آمدم هیچ وقت چنین اتفاقی نمی‌افتاد و الان چشمم می‌دید. ای کاش به خودم مسلط می‌شدم و با شوخی و خنده ماجرا را کنترل می‌کردم تا کار به آنجا نرسد». آرش به‌خاطر نقص عضو نتوانست در اداره‌ای استخدام شود و هنوز هم بیکار است و با پولی که از دیه چشمش از جوان ضارب گرفته زندگیش را می‌گذراند.

عدم مهارت در کنترل خشم

مصطفی بیات، کارشناس حوزه تربیتی خلأ تربیتی در خانواده‌ها را یکی از دلایل نزاع و درگیری‌ها عنوان می‌کند و می‌گوید: «وقتی پدر یا مادر در کانون خانواده با هم درگیر لفظی یا حتی فیزیکی در حضور فرزندان خود پیدا می‌کنند ناخودآگاه خشونت بین کودکان ترویج پیدا می‌کند. کودکان پدر و مادر را به عنوان الگوی خود پذیرفته‌اند و رفتارهای آنان را تقلید می‌کنند و این رفتار کم‌کم درونی می‌شود و در آینده خود را بروز می‌دهد. البته محیط زندگی و گروه همسالان هم در تقویت این رفتار بسیار موثر است که می‌توان در نظام تربیتی آموزش و پرورش آن را اصلاح کرد که متأسفانه به چنین مولفه‌ای آنچنان توجهی نمی‌شود. ما باید از کودکی به فرزندان‌مان گذشت و خونسردی در برابر ناملایمات را آموزش دهیم. آمار بالای درگیری و نزاع در جامعه محصول نقصان در تربیت و آموزش است که نتایج آن باعث خشونت و حتی جرایم مختلفی همچون قتل و زورگیری می‌شود».

گذشت را آموزش دهیم

حجت الاسلام سید محمد صبوری‌فرد، کارشناس مذهبی هم در این رابطه می‌گوید: «اسلام دین رافت و مهربانی است و به گذشته‌ها در قرآن بسیار سفارش شده است. همچنین پیامبر و ائمه هم در احادیث بسیار به گذشت کردن سفارش کرده‌اند. ما به عنوان مسلمان که در آموزه‌های دینی به گذشت و رافت بسیار تاکید شده باید به کودکان‌مان گذشت را آموزش دهیم و با رعایت این موضوع بتوانیم از درگیری و نزاع پیشگیری کنیم. داستان‌های زیادی از گذشت ائمه شنیده‌ایم ولی کمتر شده آن‌ها را در زندگی روزمره رعایت کنیم. اگر بتوانیم این مولفه بسیار مهم را به کار بندیم می‌توانیم از بسیاری از جرایمی که دامن‌مان را در آینده می‌گیرد، جلوگیری کنیم. خداوند در آیه ۱۷۸ سوره بقره عفو و گذشت به ویژه در حال قدرت و انتقامجویی را می‌ستاید و بر کسانی که در حال قدرت و توان از حق خویش می‌گذرند آفرین

می‌فرستد و آن را به عنوان امر به معروف و پسندیده مورد تشویق قرار می‌دهد. گذشت باعث تقویت صبر و شکیبایی در انسان می‌شود که خود مصداق حالتی است که خداوند در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت، صبر را عاملی برای گذشت انسان‌ها در برابر بدی می‌شمارد. همچنین خداوند در آیه ۱۲۸ سوره نسا می‌فرماید عفو و گذشت عامل جذب دوست و به وجود آوردن پیوندهای اجتماعی است و دشمنی‌ها را از بین می‌برد. رسول اسلام هم می‌فرماید که عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش آن و طول عمر خواهد شد.